



مسئولیت‌پذیری اجتماعی و تشکلهای مردمی

قاسم حسینی^۱

خودانگیزگی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، جوهره بنیادین کنش داوطلبانه و پایه اصلی نشاط و تحرک، پویایی و تحول در جامعه است.

از همین رو است که با اندک تحولی در سیر تحولات تاریخی بشر، به وضوح درمی‌یابیم که نقاط عطف تاریخ در هر دوره، بیش از هر چیز مرهون از خودگذشتگی، تلاش، فداکاری و حضور مجدانه توده‌های بی‌نام و نشان آن دوره است. به بیان دیگر، کنشگران اصلی وقایع بزرگ تاریخ، همواره توده‌های گمنام بوده‌اند؛ هرچند این وقایع به نام سران و سلاطین ثبت شده باشند.

بی‌شک در هر دوره از حیات بشری بسته به ظرف زمانی و مقتضیات خاص آن دوره، چگونگی حضور مردم، اشکال و ابعاد خاص همان دوره را داشته و به موازات تغییرات جوامع انسانی و رشد فکری همگانی، این حضور نیز جلوه‌ها و ابعاد کامل‌تری به خود گرفته است. به طور مثال، اگر در گذشته‌های دور حضور و نقش‌آفرینی توده‌های مردم بیشتر در شرایط خاص به ویژه در جنگ‌ها و منازعات یا ساخت بناهای بزرگ مانند دیوار چین و اهرام مصر و ... متبلور می‌گردیده، انسان امروز به دلیل تجارب بزرگ تاریخی و گسترش آگاهی‌های عمومی، به مرحله‌ای رسیده که صرفاً به حضور در شرایط خاص تاریخی بسنده نکرده و می‌خواهد علاوه بر این حضور، می‌خواهد به طور مستمر در فرایند مدیریت، تصمیم‌گیری و تلاش برای هر چه انسانی‌تر کردن شرایط جامعه نیز نقش‌آفرینی کند. و نیز به این آگاهی دست یافته که اقدام فردی در حوزه‌های اجتماعی کمتر می‌تواند منشأ اثر باشد؛ از همین رو به سمت کار جمعی و تاسیس تشکلهای خاص خود نظیر احزاب، خیریه‌ها، اتحادیه‌ها، شوراهای تشکلهای صنفی و مدنی و نیز انجمن‌های علمی، اجتماعی و فرهنگی روی آورده و می‌کوشد با حضور در تشکلهای خود ضمن مشارکت جمعی، مسئولانه، مستمر و سازمان‌یافته در فرایند پیشرفت و توسعه انسانی - اجتماعی از حقوق مدنی - انسانی و اجتماعی نیز پاسداری نماید و مسیر پر فراز و نشیب تلاش برای دستیابی به جامعه‌ای سالم، برای مردم و با مردم را تجربه نماید. سالیانی است که این خودآگاهی و نگرش مسئولانه به مسائل، به طور فراگیر، مرزهای فکری، فرهنگی و اجتماعی کشورهای جهان را درنوردیده است؛ به نحوی که امروزه معدود کشوری را می‌توان یافت که مردم آن در عرصه فرهنگ عمومی و اجتماعی خود با مفاهیم فوق و کارکردهای آن آشنا نباشند. هر چند که همه از این مفاهیم تلقی واحدی

^۱ عضو هیئت مدیره موسسه اقدام پژوهان جامعه بهتر



ندارد؛ از یک طرف گروهی هستند که گسترش آگاهی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، فرهنگ کار مشارکتی و شکل‌گیری تشکل‌های داوطلبانه مردمی را یک فرصت ارزشمند برای به چالش کشیدن مشکلات پیش رو و حل آنها به کمک به مردم و در نتیجه تسریع در روند رشد و توسعه انسانی - اجتماعی کشور خود می‌بینند. و از طرف دیگر، گروهی هستند که همواره با سوءظن به این پدیده نگریسته و آن را مخل نظم و سازوکار تصمیم‌گیری برای اداره امور می‌دانند. صرف نظر از اینکه کدام گروه و تا کجا درست می‌گویند، وجه مسلم این است که انسان امروز به دلیل رشد فکری و خودباوری‌اش، مطالباتی نظیر داشتن حق تشکل و مشارکت جمعی و موثر در روند تعیین سرنوشت جامعه را برای خود حق مسلم و غیرقابل انکاری می‌داند و بی‌تردید، بی‌توجهی به این روند رو به رشد و فراهم نمودن زمینه‌های لازم برای پویایی و رشد این مسئولیت‌پذیری، می‌تواند این ظرفیت و توان ارزشمند را از مسیر اصولی خود منحرف نماید. حال اینکه برخوردی منصفانه و هوشمندانه با این پدیده، و بسترسازی برای بالفعل نمودن آن نه تنها حس تعلق خاطر و افزایش ضریب همبستگی‌های انسانی و ملی را برای یک کشور فراهم می‌نماید، بلکه قرار گرفتن این کنشگران در کوران تجربه و مشکلات، نیروی عشق و مسئولیت‌پذیری آنان را صیقل داده و سرمایه‌های عظیم اجتماعی شکل می‌گیرد. توجه داشته باشیم که سرمایه‌های اجتماعی یک کشور تنها و تنها سرمایه‌ای است که قابلیت وارد کردن از یک کشور دیگر را نداشته و صرفاً بایستی در بطن شرایط و زادبوم خاص همان کشور شکل گرفته و آبدیده شود.

گرچه ممکن است گام برداشتن به سمت تحقق جامعه‌ای مبتنی و متکی بر فرهنگ فراگیر کار داوطلبانه و مشارکت جمعی و مستمر و موثر سازمان‌ها و تشکل‌های مردمی در بدو امر مشکلات و فراز و نشیب‌های فراوان مواجه گردد؛ ولی بی‌تردید، هر گاه به اهمیت موضوع آگاه گردیم، به طور قطع فروتنی و سعه صدر پیشه کرده و به مدد آن با رفتاری بالغ و مسئولانه می‌توان موانع را به سرعت پشت سر گذاشت و جامعه‌ای با نشاط و توأم با مسئولیت‌پذیری اجتماعی را تجربه نمود.

در اهمیت این مسئله کافی است ببینیم که در طول تاریخ، هرگز هیچ گروهی نتوانسته است بدون حضور و مشارکت مردم و بدون نقش‌آفرینی توده‌های گمنام شرایطی در خور آنان فراهم کند. حتی اگر تلاششان با حسن نیت همراه بوده باشد؛ چرا که مشارکت دادن مردم و احترام به حق رای و نظر آنها و برخورد فروتنانه با نامالایمات و دشواری‌ها، در نهایت احساس تعلق خاطر و رفتار بالغ آنان را در پی خواهد داشت. و تنها در چنین فرایندی است که می‌توان انتظار داشت تک تک افراد جامعه با رفتاری مسئولانه و نشأت‌گرفته از عشق و آگاهی، در مسیر ساختن فردایی بهتر گام برداشته و با پشت سر گذاشتن تفکرات قومی و قبیله‌ای، برای ساختن جامعه‌ای هر چه انسانی‌تر تلاش نمایند.